

مُسَخَّرُ الْبِلَادِ

«تَارِيحُ شِيَانِيَانِ»

محمّد يار بن عرب قطغان

(سدهٔ دهم هجرى)

تصحیح

نادرة جلالی

سرشناسه	: محمدیار بن عرب قطغان، قرن ۱۰ ق
عنوان و پدیدآور	: مسخرالبیلا: «تاریخ شیپانیان» / محمدیار بن عرب قطغان؛ تصحیح نادره جلالی
مشخصات نشر	: تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری	: سی و پنج، ۴۸۷ ص. : مصور.
فروست	: (میراث مکتوب؛ ۱۳۴، تاریخ و جغرافیا؛ ۲۵)
شابک	: 964-8700-18-4
یادداشت	: فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا
کتابنامه و واژه نامه	: ص. ۴۸۱ - ۴۸۶؛ همچنین به صورت زیرنویس
کتابنامه و واژه نامه	: نمایه
موضوع	: شیپانیان ماوراءالنهر، ۹۰۷-۱۰۰۸ ق.
موضوع	: شیپانی (خاندان)
شناسه افزوده	: جلالی، نادره، ۱۳۴۶ - ، مصحح
رده بندی کنگره	: DS ۲۲۹ / ۴
نشانه اثر	: / م ۳ ۵
رده بندی دیویی	: ۹۵۸
شماره کتابخانه ملی	: ۲۰۲۱۱ - ۸۵ م



مسخرالبیلا «تاریخ شیپانیان»

محمدیار بن عرب قطغان

تصحیح: نادره جلالی

ناشر: میراث مکتوب

مدیر تولید: علی اوجبی

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

حروفچین و صفحه‌آرا: رضا علیمحمدی - رضا سلگی

چاپ اول: ۱۳۸۵

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴ - ۸۷۰۰ - ۱۸ - ۴

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: رویداد

[این اثر با تصویر دو نسخه‌ای که آقای اسماعیل بیگ جان اف

در اختیار این مرکز گذاشته‌اند، مقابله و تصحیح شده است.]

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

http://www.MirasMaktoob.ir

فهرست مطالب

مقدمه مصحح	هفده
ویژگی اثر	سی و دو
روش تصحیح	سی و چهار
دیباچه	۱
مقدمه (در بیان شمه‌ای از احوال خاقان بزرگ ابوالخیرخان بن دولت شیخ اغلان بن ابراهیم خان که به دوازده واسطه به خان گیتی ستان چنگیزخان می‌رسد و ذکر جلوس شیخ حیدرخان تا زمان شهادت او)	۵
باب اول - در بیان حال اولاد شاه‌بداغ سلطان و ذکر کشورگشایی و گیتی‌ستانی فرزندان کبار نامی محمدخان شیبانی و خروج عبیدالله خان تا زمان کشته‌گشتن برهان خان بنابر تقدیر یزدانی	۱۰
گفتار در ذکر حالات محمدخان شیبانی و برادرش محمود سلطان	۱۱
ذکر نهضت نمودن محمدخان شیبانی به عزم محاربه احمدخان که در اثنای راه به قونوش قبچاق پیش آمده و محاربه کردن با آن پادشاه عالیجاه	۱۴
ذکر محاربه محمدخان شیبانی با ایرانجی خان و شهید شدن علیکه سلطان بنابر تقدیر خالق یزدان	۱۷
ذکر مراجعت محمدخان شیبانی به ولایت سغناق	۲۰
ذکر محاربه محمدخان شیبانی با محمود سلطان	۲۱
ذکر محمدخان شیبانی به صوب بلده فاخره بخارا	۲۶

- ذکر آوردن تولون خواجه مغول به محمدخان شیبانی و گرفتار شدن او به دست محمود سلطان ۳۲
گفتار در ذکر [جداشدن] محمدخان شیبانی از سلطان احمد میرزا و اتفاق نمودن او با سلطان
محمودخان والی تاشکند ۳۳
- قبل شدن شیبانی خان در قلعه سغناق و [محاصره کردن] برندوق خان محمدخان شیبانی را ۳۶
- عزیمت نمودن شیبانی خان به صوب خوارزم و بیان بعضی از وقایع جنگ و رزم ۳۸
- [گفتار در ذکر تسلیم نمودن سلطان محمودخان ولایت اترار را به حضرت خلیفه الرحمانی] ... ۴۱
[گفتار در ذکر محاربه حضرت خلیفه الرحمانی به امیر محمدمزید ترخان و گرفتار شدن امیر
محمدمزید ترخان و مصالحت سلطان محمودخان با برندوق خان و اولاد جانی بیگ خان
و لشکر کشیدن ایشان به ولایت اترار و صلح ایشان با حضرت خلیفه الرحمانی] ۴۳
- [حملة محمدخان شیبانی به تاشکند] ۴۷
- و باز معاودت نمودن آن خان سعادت مند به جانب بلده فاخره بخارا از منزل تاشکند ۵۲
- [نهضت نمودن محمدخان شیبانی به صوب بلده محفوظه سمرقند] ۵۳
[ذکر توجه بابر میرزا به دارالسلطنه سمرقند بنا بر وعده اکابر و اشراف و مسخر شدن آن بلده
معمورکان به ملازمان آن شهریار خجسته اوصاف] ۶۱
- دیگر محاربه نمودن خان گیتی ستان محمدخان شیبانی در نواحی منزل خواجه کاردزن و بیان
هزیمت بابر میرزا و تحصن او در بلده سمرقند از صیت و صولت ۶۳
- رفتن محمدخان شیبانی به جانب بلخ و بیان دولتخواهی بعضی از امرای بدیع الزمان میرزا نسبت به
ملازمان خانی و کشته شدن آن جماعت به تقدیر یزدانی ۶۹
- [ذکر طلوع ماهچه] رایت نصرت آیت خانی از افق مملکت بلخ و گرفتار شدن اهالی آن بلده به عیش
با جبر و محنت تلخ ۷۱
- [رفتن محمود سلطان به قندز] بنا بر امر و فرمان برادر خود محمدخان شیبانی و مفتوح شدن آن
ولایت به عنایت ملک منان ۷۴
- دیگر محاربه نمودن خاقان گیتی ستان با سلطان محمودخان و برادر او سلطان احمدخان و بابر میرزا
و اسیر شدن سلطان محمودخان و برادرش سلطان احمدخان و عفو نمودن و آزاد و مطلق العنان
ساختن خاقان گیتی ستان ۷۶
- ذکر تاخت نمودن [به] ولایت بلخ و شبرغان و میمنه و فاریاب به موجب فرمان خاقان کامیاب
محمدخان شیبانی ۷۸
- و تاخت نمودن ایل امان بهادر تاکنار آب مرغاب به موجب فرمان خاقان کامیاب ۷۹

مقدمه مصحح

ماوراءالنهر، به عنوان بخشی مهم از «جهان ایرانی» طی دوره‌ای، مهد علم و فرهنگ بوده است و بسیاری از دانشمندان بزرگ از آنجا برخاسته‌اند. هم از این رو، بسیاری از مورخان و محققان، آثار پرشماری در زمینه‌های گوناگون حیات ادبی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این سرزمین به رشته تحریر درآورده‌اند. با این همه، انبوهی نکته‌های ناگفته و گره‌های ناگشوده در باب این سرزمین هنوز باقی مانده است. بخش چشمگیری از اطلاعات مربوط به ماوراءالنهر و خراسان بزرگ را می‌توان در نسخه‌های خطی‌ای یافت که بر اثر قطع روابط ایران با این سرزمین طی دهها سال، با کمال تأسف آگاهی و دسترسی ما بدانها بسیار اندک بوده و یا اساساً مهیا نیست. کتاب مسخرالبلاد که اینک پیش روی خوانندگان قرار دارد، از زمره همین آثار خطی است که بر نکات تاریک این سرزمین روشنی‌های قابل ملاحظه‌ای، در ادوار متأخر می‌افکند. مؤلف، محمدیار بن عرب قطغان، اثر خود را در روزگار عبدالله خان ازبک تألیف کرده است. از احوال او، جز آنچه خود در این کتاب بیان داشته است، چیز دیگری نمی‌دانیم. مؤلف ظاهراً در اوایل سلطنت عبدالله خان ازبک متولد شده و در اوایل قرن ۱۷ م درگذشته است. مؤلف در سبب تألیف اثرش می‌نویسد:

«بر خاطر خطیر فاتر این بنده قلیل البضاعة و عدیم الاستطاعة که خود را خوشه چین خرمن اصحاب و هنر پندارد و در علم تاریخ اندک استحضاری دارد رسید که تاریخ بدیع و تذکره‌ای رفیع به نام نامدار و اسم کامکار آن صاحبقران سکندر نشان مرتب

سازد تا بدایع حالات و ذکر فتوحات و بیان مصافات و جهانگیری و وقایع گیتی ستانی و آیین جهانیانی و قوانین کشورگشایی و رسوم دین پروری و مراسم شریعت گستری و قواعد رزم‌سازی و طریق مخالفت گذاری و عادت دشمن و دوست نوازی آن مهر سپهر سرافرازی تا دامن روزگار و انقراض دوار در میان عالمیان باقی و پایدار بماند.»

وی کتاب خود را در یک مقدمه و هشت باب و یک خاتمه به نگارش درآورده و آن را مسخرالبلاد نامیده است. اما در باب هفتم و هشتم و خاتمه، در دیباچه اثر سخن به میان نیاورده و از آنجا که نسخه در بخش پایانی ناقص است، از این دو باب و خاتمه اطلاعی در دست نیست. لازم به ذکر است مؤلف در این بین، تنها مقدمه و باب اول را در متن مشخص کرده و عنوان باب‌های دیگر را در تیتراژ نیاورده است. از این رو مطالب باب‌های دیگر به دنبال باب اول آمده است.

مؤلف نخست به ذکر شجره نامه خاندان شیبانی می‌پردازد و گاه به تفصیل و گاه به اجمال، شرح حال آنان و جنگ‌هایشان را بیان می‌دارد. ابتدا از احوال ابوالخیرخان از یک یاد کرده است که پایه‌گذار قدرت ازبک‌ها در آسیای مرکزی بود و سلسله امرای خاندان شیبانیان را در دشت قبچاق بنیان نهاد. ابوالخیرخان چون در سال ۸۳۱ هـ.ق در شهر توره در سیبری غربی بر تخت خانی جلوس یافت، توانست تا سال ۸۳۴ هـ.ق تقریباً همه‌الوس شیبان را تحت فرمان خود درآورد و بر قسمت اعظم دشت قبچاق استیلا یابد. بر اثر تاخت و تازها به خوارزم (۸۳۴ هـ.ق، ۸۳۹ هـ.ق) و استرآباد (۸۴۴ هـ.ق) و سغناق (۸۵۰ هـ.ق) و غنیمت‌های هنگفتی که از جنگ‌های گوناگون به چنگ آورد، آوازه شهرتش در دشت قبچاق پیچید. از این رو، امیران تیموری یعنی ابوسعید، محمد جوکی پسر شاهرخ و سلطان حسین بایقرا در جنگ‌های عشیره‌ای بر ضد یکدیگر از او یاری خواستند. ابوالخیرخان نیز با توجه به شرایط حاکم در جنگ‌های خونینی که میان جانشینان تیمور درگرفت، شرکت کرد. چنانکه وقتی در سال ۸۵۵ هـ.ق میان ابوسعید تیموری با عبدالله میرزا (نواده شاهرخ) جنگ درگرفت و ابوسعید از

او استمداد نمود، در این نبرد شرکت کرد و عبدالله میرزا شکست خورد؛^۱ چنانکه محمد جوکی را نیز بر ضد ابوسعید تیموری یاری داد. اما وقتی که سلطان حسین بایقرا در یورش به خراسان از او یاری خواست، به سبب بیماری درخواست او را نپذیرفت. ابوالخیرخان سرانجام در سال ۸۷۳ هـ ق درگذشت.

با نگاهی اجمالی به دورهٔ فرمانروایی تقریباً چهل سالهٔ او می‌توان گفت که ابوالخیرخان به لحاظ قدرت و اعتبار و شهرتی که در دشت قباچاق به دست آورده بود، نه تنها دشمنی امیران همسایه چون بورغه سلطان را برانگیخت، بلکه بر اثر همین قدرت، مورد توجه شاهزادگان تیموری نیز قرار گرفت و در صحنهٔ منازعات عشیره‌ای به آنان یاری رساند و مؤسس سلسله‌ای شد که شاخه‌های آن تا چند قرن تاریخ سیاسی-اجتماعی آسیای مرکزی و ماوراءالنهر و خراسان را تحت الشعاع قرار دادند.

با مرگ ابوالخیرخان، پسرش شیخ حیدر سلطان به قدرت رسید، اما چون چندان لیاقت نداشت، ازبکان خیلی زود از او ناامید شدند و چشم امید به سوی محمدخان شیبانی یا شیبک‌خان دوختند. به قدرت رسیدن محمدخان شیبانی، نقطهٔ عطفی در تاریخ ماوراءالنهر بود. هم از این رو، مؤلف این کتاب در اثر خود، به ذکر حوادث مهمی که در اواخر قرن ۹ و ۱۰ هـ ق در ماوراءالنهر و خراسان به وقوع پیوسته، پرداخته است.

مؤلف از حوادث اواخر دولت تیموری و روابط تیموریان با ازبکان و صفویان سخن گفته است. او نخست، وقایع سالهای آخر دورهٔ تیموری (۹۰۰-۹۱۱ هـ ق) را به طور فشرده شرح می‌دهد و چگونگی سقوط این دولت را که به زور شمشیر و خونریزیهای تیمور پی‌ریزی شده بود، منعکس می‌کند. سپس از منازعات محمدخان شیبانی که مردی جنگجو، جاه طلب و قدرت پرست بود، با خاندان تیموری سخن به میان می‌آورد، و اوضاع بحرانی سمرقند و شدت نزاع شاهزادگان تیموری و اشراف سمرقند را هنگام محاصرهٔ این شهر به دست محمدخان شیبانی شرح می‌دهد. زیرا در این ایام گروهی از سلطان علی میرزا طرفداری می‌کردند، گروه دیگر بابر شاهزادهٔ جوان تیموری را که بعدها مؤسس سلسلهٔ

۱. نک: حبیب‌السیر، ج ۴، ص ۵۰ و خلد برین بخش تاریخ تیموریان و ترکمانان، صص ۵۶۲، ۵۹۳، ۵۹۶.

تیموریان هند شد، به سمرقند دعوت کرده و وعده تسلیم شهر را به او می دادند. از این رو، سلطان علی میرزا قبل از دیگران با یک گروه از ملازمان خود بنا به درخواست مادر خویش به قرارگاه محمدخان شیبانی رفت. به دنبال او اشراف سمرقند نیز چنین کردند و بدین ترتیب سمرقند بدون خونریزی، به دست خان ازبک افتاد. اما دیری نپایید که عده‌ای از اشراف سمرقند و بخارا که خواهان استقرار حاکمیت تیموریان بودند، بابر را به سمرقند و حمله به آن شهر فراخواندند. سرانجام سمرقند به دست بابر فتح شد ولی اندکی بعد در محاربه‌ای که در ساحل زرافشان رخ داد، از محمدخان شیبانی شکست خورد و به سمرقند عقب‌نشینی کرد. محمدخان شیبانی این بار سمرقند را در محاصره گرفت. ایام محاصره مدتها به طول انجامید و مردم شهر در وضعیتی بحرانی قرار گرفتند، اما مددی به بابر نرسید و او ناچار از سمرقند گریخت و شهر به دست محمدخان شیبانی افتاد. محمدیار بن عرب قطغان این نبردها را هنگام تسخیر سمرقند به قلم درآورده است. آنگاه از فتوحات محمدخان شیبانی در نواحی دیگر، چون قراکول، اوراتپه و تاشکند و چگونگی شکست خسرو شاه والی حصار و فتح قلمرو تحت حاکمیت وی و گسترش قلمرو محمدخان شیبانی و چشم طمع دوختن خان شیبانی به خراسان سخن گفته است. سپس با ذکر مرگ سلطان حسین بایقرا (۱۱ ذی حجه ۹۱۱) اختلافاتی را که میان پسرانش پس از مرگ وی درگرفت، منعکس می‌سازد و روایت می‌کند که چگونه دولت تیموری در هرات دستخوش زوال شد و ضربه نهایی بر پیکر این خاندان فرود آمد و آرزوی شیبانی خان تحقق یافت، یعنی هر دو پسر سلطان حسین میرزا که همزمان با هم بر تخت سلطنت جلوس کرده بودند، هریک به سویی گریختند و روحانیون و اشراف و امرا پیکری به محمدخان شیبانی فرستاده و اظهار اطاعت کردند. متن این نامه را خواندمیر در اثر معروف خود حبیب‌السیر آورده است. بدین ترتیب محمدخان شیبانی که از دیرباز در اندیشه تصرف خراسان و هرات بود، به خراسان لشکر کشید. ازبکان در هرات به بهانه‌های گوناگون به شکنجه متمولین هرات پرداخته و آنچه توانستند از ایشان گرفتند.

«آن مقدار لالی آبدار و دُر شاهوار و یاقوت رُمائی و لعل بدخشانی و سایر جواهرات و طلاآلات به حصول پیوست که عشر عشر آن در خزانه خیال هیچ پادشاه با استقلال نمی‌گنجید و از جهات امرا و ارکان دولت آن دودمان عالی شأن هر

نقود واقمشه که فراوان بود، به دست آمد.^۱
فاتحان به دختران و زنان هرات نیز ستمها کردند چنانکه:

«ناله و نفیر صغیر و کبیر از فلک اثیر درگذشت. نازنینان حرم حرمت به دست
ازبکان اسیر گشته، در تعذیب بودند و زهره جبینان حجله عفت از عقب مغولان
بهرام صولت در کوچه و بازار سرگردان شده، ساعتی نمی آسودند.»^۲

محمدخان شیبانی آنگاه گرگان و دامغان را گرفت و با توسعه قلمرو خود که شرح آن در
کتب تاریخی آن عصر مسطور است، سرانجام با دولت صفوی همسایه و هم مرز شد.
بدین ترتیب پس از ابوالخیرخان بار دیگر ازبک‌ها به سرکردگی محمدخان شیبانی متحد
شدند و محمدخان توانست که به فرمانروایی قبایل ازبک دست یابد و حکومت شیبانیان را
در ماوراءالنهر بنیان نهد. این حکومت بر تاریخ خراسان و ماوراءالنهر و سرزمینهای مجاور
این بلاد تأثیری بسزا نهاد.

مقارن این ایام و احوال، دولت صفوی به دست شاه اسماعیل پایه گذاری شد که ظهور او
نیز نه تنها در تاریخ ایران، بلکه در تاریخ سرزمینهای مجاور سرزمین ما نیز اهمیت خاص
یافت. تأسیس سلسله صفوی نقطه عطفی در تحولات سیاسی، اجتماعی و دینی ایران
و منطقه بوجود آورد و ازبکان، با حاکمیت قدرتمندی در مرزهای شرقی متصرفات خود
روبه رو شدند. از آنجایی که قصد مؤلف، بیان تاریخ خاندان شیبانی است، به شرح روابط
صفویه با ازبکان نیز پرداخته است و این روابط را از روزگار شاه اسماعیل (درگذشته
۹۳۰ هـ.ق) تا پادشاهی عبدالله خان ازبک (درگذشته ۱۰۰۶ هـ.ق) شرح داده است.

محمدخان شیبانی پس از پیروزیهای پی در پی، متوجه ایران و حمله به قلمرو دولت
نوپای صفوی شد. بنابراین، هر دو رقیب برای تثبیت موقعیت خویش و یکسره کردن کار
یکدیگر آماده کارزار شدند. اندیشه فتح خراسان از عوامل دیگری بود که شاه اسماعیل با
بسط قدرت و گسترش قلمرو خود پس از فتح دیار بکر، بغداد و شروان در سر داشت. او بر آن

بود تا خراسان را که مهد و کانون فرهنگ و ادب ایران و مزار امام رضا (ع) در آنجا بود، از سیطره محمدخان شیبانی سنی مذهب که از ۹۱۴ ه.ق بر سراسر ماوراءالنهر و خراسان و گرگان استیلا یافته بود، به درآورد.^۱ از این رو مکاتباتی میان شاه اسماعیل و شیبیک خان صورت گرفت که شرح آن در کتب تاریخی آن عصر آمده است. شیبیک خان در تمامی این مکاتبات، بدون رعایت ادب، با درشت گویی به شاه اسماعیل پاسخ می داد و بر تجاوز به خاک ایران مصمم بود. شاه صفوی که در آن زمان هنوز نوجوانی بیش نبود، او را از تجاوز به خاک ایران بر حذر می داشت. سرانجام چون از مکاتبات خود نتیجه ای نگرفت، شاه اسماعیل در سال ۹۱۶ ه.ق به گردآوری سپاه پرداخت و آماده نبرد با شیبیک خان شد. جنگ معروف مرو (۹۱۶ ه.ق) میان ایرانیان و ازبکان، از جمله حوادث مهمی است که محمدیار بن عرب قطغان در اثر خود به تفصیل بیان کرده است. سرانجام محمدخان شیبانی با همه عزمی که برای تصرف ایران جزم کرده بود، از شاه صفوی شکست خورد و به زاری و خواری از پای درآمد.

پیروزی شاه اسماعیل بر محمدخان شیبانی، نتایج گوناگونی برای حاکمیت صفویان در پی داشت و مهمترین آن، دفع شر ازبکان از شرق ایران خصوصاً خراسان و حفظ استقلال ایران و ایجاد رعب و هراس در دل آنان بود. پس از این جنگ ازبکها بقدری از ایرانیان مرهوب شدند که هر بار خبر حرکت شاهان صفوی به خراسان می رسید، ازبکان به ماوراءالنهر می گریختند یا اگر با آنان روبه رو می شدند مانند جنگهای جام و رباط پریان شکست می خوردند. یکی دیگر از پیامدهای پیروزی شاه اسماعیل رواج مذهب تشیع در شرق قلمرو او بود:

«آفتاب جهان تاب ملت بیضای جعفری از مشرق جهانگیری طالع شد و رسوم مبتدعه اهل ظلال که خیال بطلان آن در نظر مردمان محال می نمود، به ضرب تیغ غازیان حیدری لگد کوب طعن و لعن و پایمال وبال و نکال گردید.»

۱. خلد برین بخش ایران در روزگار صفویان، ص ۲۰۰.